



لایزه نامه "وضعیت پناهجویان"

سازمان رهایی زن
The Organization for Emancipation of Women

سردبیر: مینو همتی

Editor-in-chief: Mino Hemati
Email: minohemati@gmail.com

مدیرمسئول: شراره رضایی

Email: sharahrezaei.p@googlemail.com
Managing editor: Sharareh Rezaei

3rd Series, Issue 6

نشریه :

سری سوم، شماره 6

28 Jul 2012

7 مرداد 1391

عناوین:

نژادپرستی و افغان
ستیزی ممنوع! ص 1

شراره رضایی

بیانیه چهل تن از فعالین
سیاسی، پیرامون حمله به
مهاجران افغانستانی ص 2

فعالین مدنی داخل ایران

گزارشی از وضعیت
پناهجویان زن درنروژ ص 2

جیمین سلیمانی

گزارشی از آکسیون
اعتراضی در حمایت از
شهروندان افغانی ص 3

بروکسل

مصاحبه نشریه محلی آلمان
با حامد جهانگیری

(آلمانی و فارسی) ص 5

اطلاعیه ی اعلام فعالیت
های پاییزی ص 6

سازمان رهائی زن واحد
گوتنبرگ

معرفی فیلم "تابستان
گذشته در اروپا" ص 7

کاوه عباسیان

گزارشی از قتل های
ناموسی ص 8

سحر نیازی

گزارشی "کانون دفاع از
حقوق زنان و کودکان نهران"

از وضعیت زندگی مهاجران
افغانی در کوره برخانه ها و
بازیافت زباله ها - عکس

ثریا محمدی ص 10

تشکر و قدردانی از مینو
همتی ص 11

صفحه خبری ص 12

نژادپرستی و افغان ستیزی ممنوع!

شراره رضایی 20.07.2012

تعرض و حمله وحشیانه به مهاجرین افغانی و آتش زدن خانه هایشان در یزد یک اقدام غیر انسانی و نژادپرستانه است که در تداوم تعرضات گسترده چندین ساله اخیر شکل گرفته و در نتیجه زندگی را بیش از پیش برای کارگران افغانی و خانواده هایشان سخت تر میکند.

زمانی، از این مهاجران برای ساختن و بازسازی ویرانی های بعد از جنگ به عنوان کارگران بسیار ارزان استفاده می شد. در مدت بیش از دو دهه اخیر اقامت و کار این کارگران، کودکانی بدنيا آمده اند که هرگز کشوری به نام افغانستان را ندیده اند. کودکانی که به دلیل اینکه پدرانشان افغانی بودند از داشتن شناسنامه و هویتی بعنوان شهروند و انسانی که حق تحصیل، حق زندگی سالم، حق استفاده از امکانات آموزشی و رفاهی و بهداشتی و... دارند، محروم شدند و در واقع امکانات یک زندگی نرمال و عادی از آنان دریغ شد.

این کودکان بی گناه و محروم به کودکان خیابانی تبدیل شدند تا از طریق دست فروشی و پرسه زدن برای یافتن لقمه ای نان در میان زباله ها یا کارهای طاقت فرسای آجرپزی و خشت زنی در کوره پزخانه ها امرار معاش کنند. زنان مهاجر افغانی هم در آجرخشکه ها و خانه هایی از قوطی های حلبی با درب هایی تکه تکه از پارچه های کهنه زندگی پر از مشقت و سختی را در زمستان و تابستان با فرزندان و همسرانشان سپری کردند.

این نسل مهاجرین و کارگران افغانی مهاجرت کردند تا جان خود و فرزندانشان را از کشته شدن بدست طالبان در امان نگه دارند، دریا پیش بینی نکرده بودند که بدست طالبانی بنام جمهوری اسلامی میافتند که علاوه بر اینکه زندگی را بر آنها حرام کرده و مدام تحت تعقیب قرار می دهند، بلکه ناپسامانی های جامعه از جنایتها، تورم و بیکاری کارگران و اعتیاد جوانان را نیز برگردن این انسان های محروم انداختند، و بدینوسیله حرمت انسانیشان را پایمال کردند و با تحریکات و اتهاماتی این چنینی نمونه جنایتکارانه یزد را بر زندگیشان تحمیل کردند.

این مردان و کودکان و زنان محروم نه رپ خوانند و نه بازیگر سینما و نه وکیل و نه چهره ای سرشناس از دل حاکمیت که صدای اعتراض برایشان گوش فلک را کر کند. آنان کارگرانی هستند که نه تنها هر روز تحقیر و تهدید می شوند بلکه از ابتدایی ترین حق خرید مایحتاج روزانه از خرید نان گرفته تا ورود به پارک ها محروم شده اند.

اما این حملات و رفتار نژادپرستانه و تحریکات و اتهامات و بی حرمتی به کارگران مهاجر افغانی از طریق نهادها و ماموران دولتی نمی تواند و نباید ادامه یابد. جامعه انسانی و متمدن و انساندوست ما باید به این وحشیگریهای رژیم خاتمه دهد. دست رژیم باید از تعرض به زندگی و حرمت این انسانهای شریف کوتاه شود. وظیفه تمام فعالین و نهادهای اجتماعی و مدنی ست تا به این رفتار وحشیانه نسبت به زنان و کودکان و کارگران مهاجر افغانی اعتراض کنند.

با دفاع از حق حیات و زندگی انسانی و حرمت کارگران مهاجر و امنیت خانواده هایشان، بایستی رژیم را وادار به عقب نشینی کرد، باید خواهان لغو هرگونه قوانین ضدبشری و محدودیت های تصویب شده برعلیه این عزیزان و همسرنوشتان خود باشیم.

خواهد داشت و با حضور فرد پناهجو ، مورد بررسی قرار گرفته و بسته به نظر کمیسیون، پناهندگی اعطا شود و یا اقامت‌های موقت و دائم به ایشان تعلق گیرد. هیچ پناهجویی را نمی‌توان مشمول اخراج از کشور و یا محدودیت سفر در داخل کشور دانست.

ما می‌خواهیم ایشان از تمام تسهیلات شهروندان ایرانی اعم از بیمه و آموزش و بهداشت و مراجعه به محاکم قضائی و... برخوردار باشند. همچنین حکومت طرح‌هایی را برای جذب هر چه بیشتر افغانستانی‌های مقیم ایران در جامعه تدارک دیده و در گام اول با تخصیص بودجه، عقب افتادگی‌های آموزشی آنان را جبران کند. فی الحال و در اقدامی فوری عواملان و آمران حمله به خانه‌های مهاجران در یزد باید تحت پیگرد قرار گیرند و دولت ایران باید رسماً به خاطر وارد آمدن این آزارها به مهاجران از آنها و از شهروندان خود عذرخواهی کند.

ما نمی‌خواهیم سرزمینی که در آن زندگی می‌کنیم آلوده به ننگ آزار مهاجران و حملات وحشیانه به آنها باشد و باور داریم حقوق همه جانبه‌ی انسانی امری است که به هیچ بهانه‌ای چون ناسیونالیسم و نژاد و مذهب، قابل معامله نیست. ما به عنوان افرادی که به این مساله می‌اندیشند حاضر نیستیم هویت خود به جای انسان بودن و حقوق برابر برای همه‌ی انسان‌ها را به گونه‌ای تعریف کنیم که خود را بنا بر نژاد، رنگ پوست، مذهب، طبقه، جنسیت، قوم، زبان، پوشش و امثالهم بالاتر از انسان‌های دیگر بدانیم، و بنابر آن تعریف، حق تعرض به حقوق ایشان را برای خود قائل شویم. **ما بنابر هویت مشترک همه ابناء بشر، معتقدیم، ذات انسانی ما هویت مشترک همه ماست و از این رو، حق تحصیل، زندگی یا عدم زندگی در یک مکان، اشتغال، برخورداری از امکانات بهداشتی، رفاهی، آموزش، تغذیه‌ی مناسب و مانند آن را برای همه انسان‌ها به یک میزان و به طور برابر قائل هستیم ما نمی‌خواهیم بی‌قانونی و حمله به خانه‌های مردم بی‌دفاع و اکنشی طبیعی قلمداد شود.** ما به همه اقدامات غیر انسانی و تبعیض آمیز علیه مهاجران اعتراض داریم و آنها را محکوم

عامل بیکاری هستند، همگی اعمالی به شدت غیر انسانی و محکوم‌اند. حمله به خانه‌های مهاجران به بهانه این که فردی از آنها متهم به جرمی شده است اقدامی جنایتکارانه است که در یک نظام قضایی سالم باید به سرعت و شدت مورد پیگرد قرار گیرد. علاوه بر این در چنین مواردی نمایندگان سازمان‌های مستقل و نیز مقامات دولتی افغانستان باید امکان دسترسی به مهاجران و واریسی حقایق و اعلام آن را بیابند.

دولت ایران، که اکنون بنا بر وضعیت نامناسب و ویژه‌ی اقتصادی، به شدت تحت فشار نارضایتی‌های گسترده از سوی کلیه‌ی اقشار به ویژه کارگران و مزدبگیران است و همینطور نرخ بالای جرایم و آسیب‌های اجتماعی گوناگون که بدون شک معلول شرایط فعلی است، سعی می‌کند با مجرم و تبهکار جلوه دادن مهاجران، بار مسئولیت خود را در قبال این نابسامانی‌ها کاهش دهد. همچنین با دامن زدن به احساسات، سیاست حامی پروری خودش را در عرصه‌ی تقویت تعصبات ناسیونالیستی نیز به آزمون بگذارد. از سوی دیگر با سوء استفاده از مسئله‌ی مهاجران، به نوعی با دولت افغانستان بر سر اختلاف‌های دیپلماتیک تسویه حساب نماید. درحالی که این مهاجران خود بزرگترین قربانی حکومت افغانستان و نظامی‌گری غرب در منطقه هستند.

ما امضا کنندگان این بیانیه خواستار برچیده شدن هرگونه تبعیض و رفتار غیرانسانی از سوی حاکمیت و یا پاره‌ای از مردم با مهاجران هستیم. بی‌شک در این بین برخی از مردم نیز با اتکا به باورهای نادرست خود، سیاست‌های غیرانسانی حاکمیت را بازتولید می‌کنند.

خواستار آنیم به هر کودک زاده شده از پدر و مادر افغانستانی به محض تولد در خاک ایران تابعیت ایرانی داده شود و نیز تابعیت علاوه بر پدر بی هیچ قیدی از مادر نیز به کودک منتقل شود (فارغ از محل تولد). خواهانیم تا تمام پرونده‌های پناهجویان افغان در کمیسیون‌هایی دمکراتیک که از خود افغانها هم اعضائی

بیانیه چهل تن از فعالین سیاسی، مدنی داخل کشور پیرامون حمله به مهاجران افغانستانی

سرزمین ما "انسانی" است نه "خاکی!"

آه بگذارید سرزمین من

سرزمینی شود که در آن،

آزادی را

با تاج گل ساخته گی وطن پرستی نمی آرایند.*

سیاست‌های غیر انسانی دولت ایران مقابل مهاجران افغانستانی که از آغاز سال جاری با ممنوعیت ورود این مهاجران به اماکن تفریحی شدت گرفته بود، اکنون شکل بسیار خطرناکی یافته است. در تازه‌ترین مورد که در هفته نخست تیرماه رخ داد، با انتشار خبر دست داشتن مهاجران از افغانستان در قتل یک زن در یزد، منازل مهاجران در این شهر مورد هجوم قرار گرفت و افراد و خانواده‌های بسیاری مورد تهدید و آزار واقع شدند. در نتیجه‌ی سیاست‌های مذکور عده‌ای راه را بر خود هموار دیده‌اند تا بدون هرگونه واهمه و به بهانه دفاع از «وطن» و «ناموس» دست به چنین اعمال غیر انسانی و نژاد پرستانه‌ای بزنند. اعمالی که انجام آن جز با همراهی ضمنی حاکمیت دشوار می‌نماید .

بی‌قانونی و رفتار غیر انسانی علیه مهاجران در سایر نقاط ایران هم ابعاد گسترده‌ای یافته است. در استان فارس یک مقام وزارت کشور گفته است که همه شهروندان می‌توانند و باید جلوی اتباع خارجی را بگیرند و از آنها کارت اقامت بخواهند.

اقدامات سال‌های اخیر در محروم کردن مهاجران از تحصیل؛ در احضارهای مکرر و بی‌قاعده‌ی آنها برای تعویض کارت اقامت در قبال مبالغ کلان؛ در فرستادن‌شان به اردوگاه‌هایی با شرایطی به شدت غیر انسانی و متهم کردن‌شان به این که

پناهنده یا پناه جو به کسی گفته میشود که به خاطر یک شرایط نامساعد کشور محل زندگی خود را ترک میگوید و به کشور دیگری پناهنده

میشود. یعنی فرار به اجبار از یک شرایط نامساعد برای بدست آوردن یک موقعیت خوب پرخورداری از یک شرایط مناسب زندگی. در این مسیر فرد پناه جو مشکلات زیادی را پشت سر میگذارد به این امید که سخته‌های زندگی اول را فراموش نماید و بتواند زندگی نوینی را آغاز نماید. همه ما تا اندازه ای با این شرایط و سختی هایی که فرد پناهنده در این مدت متحمل میشود آشنا هستیم. هم از شرایط پناه جو بان در ترکیه و یونان خبر داریم و هم از مسیری که به صورت قاچاق و یادادن هزینه مالی فراوان طی میکنند اما من در نظر دارم تا حدودی از وضعیت پناهندگان در کشور نروژ قبل از گرفتن اقامت و پناهندگی که در کمیته‌های پناهندگی آن ساکن هستند با شما صحبت کنم و تا حدودی شما را با وضعیت پناهجویان در اینجا آشنا نمایم. اما در این میان زنان و مردان اگرچه با یک مساله مشابه به نام پناهندگی مواجه هستند اما برخورد این دو جنس نسبت به وضعیت جدید مثل هم نیست. زنان به خاطر شرایط شرایط پناهندگی نیز به مراتب سختی های بیشتری را متحمل میگردند. از آنجاکه بیشتر زنان پناهجواز

بازدچار همان شرایطی میشوند که در کشورهای خود به آن گرفتار بودند. البته در اینجا میتوان زنان پناه جو را به دو گروه تقسیم نمود.

گروه اول زنانی هستند که با شوهران و بچه های خود به این کشور میآیند و گروه آسیب پذیرتری میباشند و گروه دوم زنانی که به تنهایی به این کشور آمده و در وضعیت بهتری به این سر میبرند و از حق انتخاب آزادانه ای برخوردارند و از آن راضی می باشند. اما این آزادی نیز در مقابل اقامت طولانی در کمپ و نداشتن امکان زندگی بعنوان یک شهروند در این کشور رنگ میبازد. و نا امنی بیشتری زنان را در بر میگیرد زنان شوهر دار گروه اول در اینجا نیز مورد خشونت های زیادی قرار میگیرند. از خشونت فیزیکی گرفته تا فشارهای روحی و روانی که توسط شوهرانشان اجرا میگردد که به خاطر نبود حمایت های قانونی مثل شهروندان دیگر نروژی و امکان دیپورت زنان به کشورهایی که از آن آمده اند به فراموشی سپرده میشود. چون پناهجویان زن هنوز از شرایط برابر با شهروندان نروژی برخوردار نیستند امکان دسترسی به قانون و شکایت را در هنگام بروز خشونت ندارند. در مواردی هم که خشونت مشاهده شده، خشونتگران آن را یک مساله داخلی دانسته و آنرا مشکل فرهنگی خود عنوان میکنند و از دخالت مسولین کمپ جلوگیری کرده اند.

زنان گروه اول به خاطر اعمال خشونت فراوان حتی بعد از خروج از کمپ نیز ادامه

می یابد. اما ترسی که وضعیت وجود زنان را در برگرفته حتی در کشوری مثل نروژ آنان راها نمیکند و زنان به راحتی توانایی مبارزه برای دست یابی به حقوق خود را به دست نمی آورند.

زنان گروه دوم به مراتب وضعیت بهتری را دارا هستند چون امکان این را پیدا میکنند که از آزادی های لازم برای بروز استعداد های شان استفاده نمایند و ارتباط بیشتری را با جامعه برقرار نمایند و امکان این را داشته باشند که بدون ترس در خارج از خانه حضور یابند و شخصیت مستقل داشته باشند و از اعتماد به نفس بیشتری برخوردار شوند. اما این زمانی میتواند مفید باشد که زنان بتوانند حق پناهندگی را در این کشور بدست آورند.

اما در مجموع زنان و رسیدگی به وضعیت آنان در کمیته های نروژ شرایط مناسبی را دارا نمی باشد. زنان امکان دسترسی راحت و ارزان را به امکانات پزشکی دارا نیستند و همچنین شرایط آموزش مهارت های لازم را برای برخورداری از یک زندگی ایده آل بعد از گرفتن جواب پناهندگی دارا نمی باشند. اما نداشتن جواب و زندگی طولانی در کمپ زندگی را برای زنان در این کمپ با دشواری مواجه نموده است. اقامت های طولانی و بیلاتکلیفی زنان زیادی را دچار بیماری های اعصاب و روان کرده و زنان را گوشه گیر نموده است. نبودن امکانات مناسب و بالا بودن هزینه ها نسبت به کمک مالی پایینی که زنان دریافت میکنند آنان را ناچار میکند

ادامه در صفحه 7

در ایران نیز ستم بر زن، در مرکز اسلامیت جمهوری اسلامی قرار گرفته است و در پس این جنایت نیز باید سرکوب سیستماتیک زنان پوشیده بماند و زن‌ستیزترین حکومت معاصر ندای دفاع از زنان سر داده که مورد تجاوز قرار گرفتن "ناموس" ایرانی‌مان باید دلیلی برای برافروختن "خشم ملی" بر علیه ملتی ستم‌دیده باشد!!! و آنچه پوشیده می‌ماند این است که منشا تمام این کتافات جمهوری اسلامی است، که ما امروز خواهان سرنگونی تمامیت این رژیم هستیم و... رفیق دیگری با ادامه‌ی نکات قبلی، به دستگیری کارگران و زندانی کردن فعالین کارگری اشاره کرد و تمام این موارد را بخش-هایی از طرح-های سرکوب-گرایانه-ی رژیم برای بقا شمرد.

و در پایان آکسیون را با امید به ادامه‌ی مبارزات با سردادن شعارهای سرنگونی رژیم ارتجاعی و فریاد همبسته-گی بین-المللی به پایان بردیم.

لینک کلیبی از برگزاری این آکسیون در سایت یوتیوب و De Wereld Morgen با سپاس از همه دوستانی که صمیمانه و فروتانه در تهیه آن یاری نمودند.

www.youtube.com/watch?v=ysmyeU7p_bM&feature=plcp

www.dewereldmorgen.be/blogs/farzadm/2012/07/18/iraans-protest-tegen-behandeling-afghanen

گزارش های بیشتر تصویری را در سایت زیر ببینید:

http://committeebe.blogspot.be/2012/07/blog-post_20.html?pref=fb

بروکسل 14.07.2012

کارگران زحمتکش افغان بخشی از کارگران زحمتکش ایران هستند. دفاع از کارگران افغان در ایران دفاع از طبقه‌ی کارگر ایران است. به امید روزی که نه مرز باشد و نه نژاد پرستی و نه استثمار!

با وجودی بدی هوا و نبود سیستم صوتی تلاش جمع کوچک ما این بود که پیام سیاسی بزرگمان را به گوش‌ها برسانیم: «مرگ بر جمهوری اسلامی! - جمهوری اسلامی، فانوسی رو به باد است! - جمهوری اسلامی، مرگت فرارسیده! - زنده - باد همبسته-گی انترناسیونالیستی! - دخالت خارجی، استبداد داخلی محکوم است! - اتحاد، مبارزه، پیروزی! ...» و بخشی از پیاممان را نیز بر پلاکارهای سزخمان نوشته بودیم: «جمهوری اسلامی از هر جناح و دسته نابود باید گردد! - Smash Fascism! - ایران مدفن فاشیسم خواهد شد! - مرگ بر این رژیم زن ستیز! - نه به دخالت امپریالیستی در ایران! - انترناسیونال است نژاد انسان‌ها!

You can't have capitalism - Racism - without! - هیچ‌کس غیرقانونی نیست! - خلق‌های تحت ستم ایران، متحد طبقاتی افغانستانی‌ها! - اتحاد خلق-های تحت ستم، در برابر فاشیسم! - گُرد، عرب، بلوچ، تُرک، ترکمن، افغانستانی و ... متحد در برابر سرمایه -داری جمهوری اسلامی! - جدایی دین از دولت اولین گام رهایی زنان خاورمیانه! - اعدام اعراب، سرکوب افغانستانی‌ها، زنان و کارگران حلقه‌های زنجیر سرکوب ملل! - انقلاب تنها راه رهایی...!!!»

رفیق دیگری پرده از جنایات رژیم در خوزستان و اعدام و سرکوب اعراب برداشت و به ارتباط حلقه-های زنجیر سرکوب خلق-های تحت ستم و شرایط خاص رژیم اشاره کرد.

او هم چنین تاکید داشت که در ماجرای سرکوب افغانستانی‌ها



گزارشی از برگزاری آکسیون اعتراضی در حمایت از حقوق شهروندان افغانی ساکن ایران - بروکسل

برنامه با خواندن فراخوان و توضیح اهداف این آکسیون شروع شد و به آکسیون-های هم-زمان در شهرهای کلن، برلین، لندن، هامبورگ، تورنتو و ...

نیز اشاره شد. شعارهایی در مخالفت با اقدامات فاشیستی رژیم جمهوری اسلامی و در حمایت از مهاجران و شهروندان افغانستانی سرداده شد و سپس رفیق جوانی به بررسی 3 دهه حضور افغانستانی‌ها در ایران پرداخت و با شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی!" سخن خود را به پایان برد. رفیق دیگری بر ضرورت همبسته-گی کارگران و زحمت-کشان و خلق‌های تحت ستم با افغانستانی‌ها اشاره کرد و این-که بحران-های حاد بین-المللی و داخلی رژیم ایران را به سمت اشکال جدیدی از سرکوب سوق می-دهد و بسیج شدن بخش--هایی از مردم در این سرکوب و جنایت یادآور دوران فاشیسم هیتلری است. پیامی از سوی "شمله سلیمانخیل" زن فعال سیاسی افغانستانی از اعضای هئیت تحریریه نشریه روشن گر در اروپا قرائت شد که در بخش پایانی آن تاکید کرده بود که: " ... ما مرز نمی شناسیم

این برنامه به ابتکار "کمیته-ی دفاع از مبارزات مردم ایران-بلژیک، سازمان زنان 8 مارس-بلژیک، شورای جوانان و دانش-جویان چپ-بلژیک" تدارک و برگزار شد. طبق اجازه ی پلیس از ساعت 15 در برابر سفارت ایران جمع شدیم. در ابتدای امر افسر پلیس مسئول ضمن هماهنگی با برگزارکننده-گان تقاضا کرد که صدای سیستم صوتی را رعایت کنیم چون در غیر این-صورت سفارت از آن-ها شکایت خواهد کرد و ما پذیرفتیم ولی بعد از 10-15 دقیقه که ما پلاکاردها و بنرهایمان را آماده کرده و موزیک پخش می-کردیم پلیس دوباره مراجعت کرد و خواهان برچیدن سیستم صوتی شد و علی-رغم مخالفت قانونی و منطقی ما، تهدید به لغو اجازه-ی آکسیون کرد؟! و ما ناچاراً بدون سیستم صوتی برنامه را آغاز کردیم. در هوای بسیار نامساعد و بارانی بروکسل جمعی از نیروهای مترقی و چپ بلژیکی گردآمده و فریاد حمایت خود از شهروندان افغانستانی ساکن ایران را سردادیم .

Freitag, 30. September 2011

Nürtingen und sein Umland

Nürtinger Zeitung
Wendlinger Zeitung 25

Nürtlinger Notizen

Musikalische Nacht

NÜRTINGEN (bma). Heute, Freitag, findet ab 19.30 Uhr eine musikalische Nacht im Stephanushaus im Roßdorf statt. Das Programm beginnt mit Yvonne Denecke an der Orgel, ab etwa 20.15 Uhr singt der Junge Chor St. Johannes, gegen 21 Uhr spielt das Celloensemble Uriel Stülpnagel, um 21.45 Uhr gibt's Texte und Musik von Birgit Matztausch und Reinmar Wipper. Und um 22.30 Uhr spielt Angelika Rau-Culo wieder Orgel. Dazwischen kann jeweils geplaudert, getrunken und Fingerfood gegessen werden. Man kann kommen und gehen – aber auch bleiben.

Heute Jungentag in Kikuwe

NÜRTINGEN (pm). Am heutigen Freitag, 30. September, findet von 14 bis 18 Uhr der Jungentag in der Kinder-Kultur-Werkstatt, Ploehinger Straße 14, statt. Alle Jungen ab sechs Jahren haben dort Gelegenheit, die Angebote der Kikuwe einmal „unter sich“ zu nutzen. Als spezielles Angebot kann heute eine Lockkamera gebaut und mit ihr experimentiert werden. Eine Anmeldung ist nicht notwendig.

Polizeibericht

Schlägerei in Zug

NÜRTINGEN (lp). In einem Zug von Stuttgart nach Nürtingen kam es in der Nacht zum Donnerstag zu einer Schlägerei zweier betrunkenen Männer. Im Verlauf der Auseinandersetzung brach einer der Beteiligten, ein 21-Jähriger, seinem 26-jährigen Kontrahenten vermutlich die Nase. Dieser musste zur Behandlung ins Krankenhaus gebracht werden.

Mit 2,5 Promille auf dem Fahrrad

ESSLINGEN (lp). Einen stark betrunkenen Radfahrer zog die Polizei am Mittwochabend aus dem Verkehr. Der Mann befuhr mit seinem Mountainbike die Grabbrunnensstraße. Da er ohne Licht unterwegs war und beim Rechtsabbiegen in die Mühlbergerstraße die rote Ampel missachtete, wurde er angehalten. Der 47-Jährige konnte sich kaum auf den Beinen halten und roch stark nach Alkohol. Ein Test ergab 2,5 Promille. Er musste sich einer Blutentnahme unterziehen.

Familie kaufte ihn aus dem Gefängnis frei

Der Iraner Hamed Jahangiri musste aus seinem Heimatland fliehen, weil er für demokratische Reformen kämpfte

Am heutigen 30. September ist der Tag des Flüchtlings. Es sind ganz unterschiedliche Gründe, die Menschen dazu zwingen, ihre Heimat zu verlassen. Zum Beispiel, weil sie als Demokraten im Iran von Verhaftung und Folter bedroht sind.

VON BARBARA GOSSON

Hamed Jahangiri ist 28 Jahre alt. Seit acht Monaten lebt er in der Asylbewerberunterkunft in Grötzingen und wartet auf seine Anhörung. In der Zwischenzeit lernt er Deutsch und hat schon gute Fortschritte gemacht, das Gespräch wird teils auf Deutsch, teils auf Englisch geführt.

Jahangiri kommt aus dem Nordwesten Irans, aus der 1,4 Millionen Einwohner zählenden Stadt Täbris, bekannt für ihre kunstvoll geknüpften Teppiche. Täbris gehört zur iranischen Provinz Ost-Aserbaidschan. Im Iran lebt eine aserbajdschanische Minderheit, zu der auch Hamed Jahangiri gehört. Die Aserbaidschaner dürfen, genauso wie Kurden und Araber, ihre Sprache nicht offiziell sprechen, der Unterricht findet alleine auf Persisch statt. Die Aserbaidschaner veranstalten aber an der Universität Seminare, um ihre Kultur zu bewahren, Aktionen, die der Provinzgouverneur nicht gerne sieht.

Die Familie Jahangiris ist politisch engagiert, ein Onkel ist Mitglied der Föderal-demokratischen Partei Aserbaidschans und lebt schon seit 30 Jahren in Deutschland, von wo aus er die Partei unterstützt. Jahangiri, der Bauingenieurwesen studiert hat, war Anführer einer Studentengruppe. Er schrieb in einer oppositionellen Studentenzeitung über Demokratie, Politik, Umwelt, Religion und Frauenrechte. Bereits damals, vor vier Jahren, wurde er deshalb häufig kurz verhaftet.

Bei der Präsidentschaftswahl vor zwei Jahren war seine Partei nicht zugelassen. Weil viele Menschen daran zweifelten, dass es bei der Wahl mit rechten Dingen zugegangen ist, kam es zu Demonstrationen. Jahangiri berichtet, wie dafür der islamische Feiertag Ashura ausgenutzt wurde. An diesem Tag sind ohnehin viele Menschen unterwegs, das macht es für die Milizen der Regierung schwerer, Demonstranten zu verhaften. Die beiden unterlegenen Präsidentschaftskandidaten Mir Hossein Mussawi und Mehdi Karubi hatten dazu



Hamed jahangiri möchte eines Tages in einen demokratischen Iran zurückkehren.

bg

aufgerufen, ebenso Jahangiris Partei und ihre arabischen und kurdischen Schwesterorganisationen. Er ist aber kein Freund der beiden, sie sind ihm zu religiös. „Religion und Politik sollten getrennt werden“, findet er.

In der Hauptstadt Teheran, einer Metropole von acht Millionen Einwohnern, kamen die Demonstranten in der Nähe der Universität am Azadi-Platz zusammen. Über das Internet verabredeten sich die Demonstranten und trafen sich am Vortag, um noch einmal alles zu besprechen. Auf einer Brücke wurde Jahangiri zusammen mit anderen verhaftet und ins Gefängnis gebracht. Zwanzig Tage lang saß er in einer winzigen Zelle, ohne Kontakt zur Außenwelt. Danach wurde er in den politischen Teil des Evin-Gefängnisses verlegt. Was er dort in sieben Monaten Haft erlebt hat,

macht ihm heute noch zu schaffen, er muss das Gespräch kurz unterbrechen. In einem medizinischen Gutachten wird ihm eine posttraumatische Belastungsstörung bescheinigt. Die Folter hat aus einem ehemals ausgeglichene Menschen einen gemacht, der ständig unter Spannung steht und nachts nicht schlafen kann.

Jahangiri kam frei, weil seine Familie ihn freikaufte, indem sie das Eigentumsrecht an ihrem Haus dem Staat überschrieb. Aus dem Gefängnis entlassen tauchte Jahangiri erst einmal unter, da er gleich wieder ins Gefängnis sollte. Ein kurdischer Schleuser ermöglichte ihm schließlich die Flucht in die Türkei. Dort hat er viele Freunde aus der Zeit, als er in Istanbul studierte. Von dort kam er nach Deutschland, bat um Asyl und wurde dem Landkreis Esslingen zugeteilt.

Seitdem wartet er gemeinsam mit sieben anderen Iranern und 21 anderen Menschen aus aller Welt auf seine Anhörung. Im Oktober soll darüber entschieden werden, ob er bleiben kann. Ein wenig eingelebt hat er sich bereits und Freunde gefunden. „Ich bin hier mit offenen Armen aufgenommen worden.“ Er hat Kontakt zu den Grünen aufgenommen, weil er sich gerne weiter politisch engagieren möchte. Ein anderer Wunsch wäre es, weiterzustudieren. Nicht nur, um einen auch in Deutschland anerkannten Abschluss zu bekommen, sondern aus reiner Wissbegier.

Die Gedanken sind bei der Familie im Iran

Die Gedanken sind bei der Familie im Iran, den Eltern und den Brüdern. Elner der Brüder darf wegen des politischen Engagements der Familie nicht weiterstudieren. „Es gibt viele Probleme im Iran. Zum Beispiel werden Leute öffentlich hingerichtet. Frauen, die auf der Straße lachen oder ihr Haar zeigen, kommen ins Gefängnis. Das öffentliche Leben im Iran wurde getötet. Die Welt sollte den Iran dazu zwingen, damit aufzuhören.“ Drei seiner besten Freunde sitzen gerade im Gefängnis und befinden sich im Hungerstreik. Jahangiri hat die Hoffnung noch nicht aufgegeben. „Ahmadinedschad wird enden wie Ben Ali, Mubarak und Gaddafi. Die Diktatur hat ausgedient.“ Die Menschen im Iran sehnen sich danach, in einem demokratischen Rechtsstaat zu leben, und kämpfen dafür. Doch zur Zeit dürfe jemand, der für einen säkularen Staat ist, nicht einmal zur Wahl antreten. Viele kluge politische Köpfe seien deshalb ins Ausland gegangen. Die Unruhe unter den jungen Menschen im Iran sei groß. Nicht die Fähigsten bekommen Arbeit, sondern gläubige Barträger.

„Bei der letzten Wahl hat man die Kraft des Volkes gesehen“, sagt Jahangiri und weist darauf hin, dass die grüne Revolution im Iran der Beginn des arabischen Frühlings war. Über Internet und Fernsehen werden die Menschen und wissen um ihre Rechte. „Ahmadinedschad mit seiner Kampfrhetorik gegen Israel und die USA ist nicht repräsentativ für die Iraner. Wir möchten lieber andere an unserer alten und reichen Kultur teilhaben lassen.“ Hamed Jahangiri hat einen Wunsch: eines Tages in einen demokratischen Iran zurückzukehren.

اعلام فعالیت های پاییزی و نحوه تماس با سازمان رهایی زن واحد گوتنبرگ

سازمان رهایی زن July 02, 2012

سازمان رهایی زن در گوتنبرگ در آخرین نشست کمیته اش برنامه ها و فعالیت های خود را در پائیز پیش رو مشخص و از طریق همین بیانیه به اطلاع عموم می رساند. لازم به ذکر است که این برنامه ها جزو فعالیت های روتین سازمان می باشد و شامل مراسمات ، سمینارها و دیگر فعالیت های بدون زمان بندی نمی شود. در همین بیانیه اطلاعات تماس با مسئولین سازمان رهایی زن نیز به اطلاع عموم خواهد رسید. این برنامه ها با همکاری و پشتیبانی مرکز آموزشی studiefrämjandet پیش می رود.

لیست برنامه ها:

برنامه آموزش کامپیوتر (کار با مجموعه نرم افزار آفیس، ادیت و مونتاز فیلم و عکس، حذف ، نصب و اعمال تغییرات در نرم افزارها و...

آموزش فیلمبرداری

آموزش عکاسی

آموزش آشپزی

کتابخوانی و تشکیل هسته مطالعاتی هدفمند

نقد ، بررسی و نمایش فیلم

و همچنین فعالیتهای متنوع دیگر که پیشاپیش به اطلاع عموم می رسد.

کسانی که مایل به شرکت در فعالیتهای و برنامه های سازمان رهایی زن هستند می توانند برای اطلاعات و هماهنگی بیشتر با سازمان در تماس باشند.

نحوه تماس با ما

آفاق وکیلی ، دبیر سازمان رهایی زن در گوتنبرگ

سیوان رضایی ، مسئول برنامه ها و فعالیتهای آموزشی / شماره تماس : 0739241383

سالار کرداری، سخنگوی سازمان رهایی زن واحد گوتنبرگ / شماره تماس : 0700194503

گلbag سلیمی عضو کمیته

لاله زندی عضو کمیته

آدرس: **Iranska kvinnors Frigörelse**

Arödsindustri vägen 28 Hisingsbacka

سازمان رهایی زن واحد گوتنبرگ—2 جولای

پیام سازمان زنان حزب حرکت زحمتکشان ترکیه علیه قتل های ناموسی به سازمان رهایی زن در گوتنبرگ

متن توسط نشمیل فناحی در مراسم علیه قتل های ناموسی قرانت گردید

alaeh gatlhae namosi be sazman rahai zan dar Gotenberg ke tavasoteh Nashmil Fatahi garat gardid

.In Turkey, where the honor killing of women is prevalent, our organization is struggling to put a halt to these murders. Every day at least 5 women are killed by men in this country. The government is partaking in these crime both by not protecting women and by not prosecuting their murderers. From the East to the West, women are facing the threat of honor killing. As long as the male-dominated capitalist system is in existence, women will continue to be oppressed and go on compensating this injustice with their own lives. We are full of hope because our sisters in Sweden are working hard to counter this unjust murder of women. Due to our struggle on behalf of women all over the world, our voices are now being heard in Sweden. We hope that in the future our message reaches our sisters in other countries as well.

link gozaresh az marasem:

<http://www.youtube.com/watch?v=j5Dp8F1iMz4>

درواقع این موردزنده کننده مواردی میباشد که زنان و دختران ایرانی در کشور خودبه خاطر شرایط نامناسب اقتصادی مجبوربودن به شرایط ازدواجی تن دهند که هیچگاه دلخواه آنان نبود واز روی اجبار وناچاری آنرا قبول میکردند. این وضعیت ناخوشایند پناه جویان زن میباشد در کشور دمکراتیک نروژ جدا از سختی های که زنان در کشورهایشان و یا در مسیر رسیدنشان به این کشور طی کرده اند و به همان اندازه ای که شرایط پذیرش پناهندگان سخت تر میگردد وضعیت زنان نیز بدترمی گردد و نبود امنیت و نداشتن امید برای آینده آنان را مایوس تر میگرداند.

کمپ پناهندگی داله - نروژ

اما این حمایتها شامل زنان پناهجو نمیشد. اگر زنان مهاجر در کشورهای خود توسط قوانین اسلامی مورد ظلم خودکشی زنان منجرشده است. واقع میشدند در اینجا نادیده گرفتن آنان و محروم کردنشان از امکانات مناسبی که میتوانند وجود داشته باشد درون زنان را بیشتر آزار میدهد. در ادامه میتوان از امکانات پزشکی نامبرد که زنان امکان استفاده راحت از آنرا ندارند اگرچه برخلاف مردان به مراقبتهای بیشتر پزشکی نیازمندند. اقامتهای طولانی و نگرفتن جواب در بعضی موارد زنان را مجبور به گزینش راه دیگری میکند مه ناخواسته به آن تن میدهند و آن ازدواج با مردان مقیم نروژ میباشد.



که بسیاری از نیازها وخواسته های خود را به فراموشی بسپارند و از آنجا که امکان کار در خارج ازکمپ نیز وجود ندارد اقامت وارد میآید. موارد فراوانی از افسردگی در بین زنان اینجا وجود دارد که گرفتن جواب هم نتوانسته آنان رابه وضعیت عادی سابق برگرداند. این ها جدا از مواردی میباشد که افسردگی های بلند مدت به اگر چه در نروژ قوانین مناسبی در حمایت از زنان وجود دارد

فیلم "تابستان گذشته در اروپا" به کارگردانی کاوه عباسیان و تهیه شده سعید جلیلود

فیلم "تابستان گذشته در اروپا" زندگی چند تن از دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب را بعد از مهاجرت از ایران دنبال می کند و در بستر آن چگونگی برخورد با پناهندگان را در برخی کشورهای اروپایی مورد بررسی قرار می دهد.

این فیلم توسط کاوه عباسیان کارگردانی شده است. تهیه کننده ی فیلم "تابستان گذشته در اروپا" سعید جلیلود می باشد.

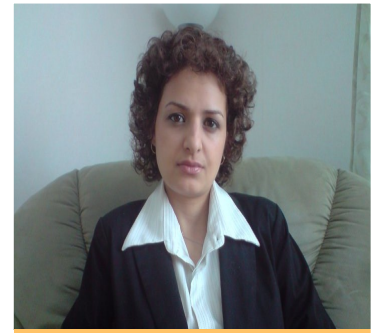
کاوه عباسیان انگیزه خود را برای پرداختن به این فیلم اینگونه بیان می کند:

انگیزه ی اصلی من برای ساختن این فیلم نشان دادن موقعیت پناهندگان سیاسی ایرانی در اروپا در شرایطی بود که احزاب دست راستی و بعضا نژادپرست یکی پس از دیگری در کشورهای اروپایی با رأی مردم در حال روی کار آمدن بودند. دوست داشتم یک تصویری از گذشته و حال تبعیدی های نسل خودم در ایران و اروپا نشان بدهم. در عین حال سعی داشتم که با اشاره ای تاریخی به مقوله ی تبعید و مبارزات مردمی ضد فاشیستی به مقایسه ی وضعیت فعلی اروپا با گذشته ی آن بپردازم. دو سال پیش که من شروع به ساختن این فیلم کردم حدود دو سال و نیم از آغاز زندگی خودم در تبعید میگذشت و پروسه ی خارج شدنم از شوک تبعید در میانه ی راه خود بود. ساخت این فیلم خود کمک بزرگی در راستای همین پروسه بود. درواقع فیلم «تابستان گذشته در اروپا» در عین حال که حاوی فاکت های مستند و تاریخی است نشان دهنده ی فضای ذهنی در حال گذار یک تبعیدی نسل جدید ایرانی در اروپا هم هست.

برای مشاهده فیلم به لینک زیر مراجعه کنید:

<http://www.youtube.com/watch?v=-3Fn-KnfOXM&feature=share>





گزارشی از قتل های ناموسی
سحر نیازی

سازمان سراسری پلا و فادیمه را فراموش نکن در محکومیت قتل ماریا دختر جوانی که به تازگی قربانی وحشی گری فکری و فرهنگ شده گردهمایی تدارک دیده شد. این برنامه هم زمان در دو شهر دیگر نیز بر پا شده بود. با اجرای چندین سخنرانی جو آرامی به وجود آمد که همگان را غرق در اعماق کلمات سخنرانان فرو برد. مراسم روشن کردن شمع و گذاشتن گل در کنار عکس فادیمه پلا و ماریا اشک را بر چشمان هر انسان آزاده خواه و برابر طلب می نشانند.

از دو روزنامه محلی و هم چنین کانال 4 سوئد و یک مدیا دیگر سوئد در میان جمعیت مشغول تهیه فیلم و گزارش بودند. عکاس روزنامه سوئد در حال شکار لحظه ها بود و از روشن کردن شمع در کنار عکس این عزیزان لحظه ها را ثبت می کرد. با چند خانم ایرانی مشغول گفتگو شدم. نشری رهایی زن را به آنان داده و در پی پاسخ سوالاتم در گفتگو های آنان می گشتم. گزارش که به اتمام رسید دلم نمیخواست مکان را ترک کنم دوست داشتم مدت طولانی با نگاه کردن به عکس آن عزیزان و فکر کردن به تمام اتفاقی که برایشان افتاد.

زنگ تلفن به صدا در آمد. آره عزیزه مامان کارم تمام شد با کوله باری از غصه و غم یاد آوری بلاهای که بر سر این زنان آمده به خانه بر می گردم.

23 مای 2012

لینک گزارش تصویری که از برنامه ی تلویزیونی رهایی زن پخش گردیده:

<http://www.youtube.com/watch?v=GAbtjZSLz0c>

طبق معمول هر روز ایمیل را چک کردم، یک پیغام جدید از خانم مینو همتی.....

گردهمایی به مناسبت سیزدهمین سالگرد قتل پلا و محکومیت قتل ماریا در اوپسالا و استکهلم و گوتنبرگ

خوب وظیفه خود به عنوان فعال در زمینه زنان می دانستم شرکت در این مراسم و هم چنین برای تهیه گزارش. تمام کارها را انجام دادم و وسایل مورد نیاز را برداشتم. باید به دوستم توی اوپسالا تلفن می زدم چون باید کسی از پسرم نگهداری

می کرد. راه افتادم و در تمام مدت داشتم فکر می کردم این وظیفه هر انسانی است که در بزرگداشت هایی از این قبیل شرکت کنند. فکر می کردم از من که برای تهیه گزارش همراه شدم تا دوست محترمی که در مواظبت بچه کمکم می کند و شبکه ای که این فیلم را پخش می کند و سایت هایی که گزارش را منتشر می کنند همه و همه سهم بزرگی در هم قدم شدن در این مسیر را بر عهده دارند.

یک پارک کوچک در مرکز شهر اوپسالا پلاکارت های عکس ماریا پلا و فادیمه شمع و گل های فراوان نظر همه را به خود جلب کرده بود. عابران در حال عبور یک نگاهی می انداختند و بعضی ها هم تا نزدیک می آمدند و می ماندند.

مردی در صندلی مخصوص سالخوردگان با کیفی پر از برگه ها پلاکارتها و گل های فراوان آمد. از من کمک خواست در درست کردن مکان گردهمایی.....

می کنیم و خواستار پایان یافتن این نوع اقدامات و رسیدگی فوری و و منصفانه به آنها هستیم.



امضا کنندگان بیانیه:

- یونس آبسالان/ سعید آقام علی/ پریسا ادیب زاده/
- امیر امیرقلی/ مریم امیری/ سیامک امین/ مصطفی بذری/
- نسیم بنی کمالی/ مهدی بیات/ محسن پریراد/ یاشار پورخامنه/
- بهنام تهرانی/ حسام چوپانی/ سعید حسن زاده/ فرزاد حسن زاده/ اختای حسینی/
- محمد خانی/ مهسا خیراللهی/ بابک ذاکری/ حسام سلامت/ اشکان شریعتی/ فواد شمس/ محبوبه شمس/ ارسلان صادقی/ خسرو صادقی بروجنی/ بیتا صمیمی زاد/
- یاسر عزیززی/ سورنا عمید/ محمد غزنویان/ مصطفی غلام نژاد/ امیر فیروزی راد/ مهدی محمدی/ علی مظفری/ علی معظمی/ حسام مناهجی/ مریم موسوی/ حسین نادری/
- الناز ناطقی/ علی رضا نجمی.

* لنگستون هیوز، ترجمه ی احمد شاملو

نژادپرستی ممنوع!



مصاحبه با حامد جهانگیری:

30 سپتامبر 2011 میلادی
روزنامه سراسری "نورتینگن چایتونگ" چاپ آلمان مصاحبه ای با حامد جهانگیری پناهجوی ساکن آلمان به چاپ رسانده است. مقاله حاضر ترجمه مصاحبه انجام شده توسط خبرنگار "خانم باربارا گوسن" می باشد.

حامد جهانگیری 30 ساله متولد تبریز- ایران می باشد. تبریز کلان شهری در شمال غرب ایران بوده و در منطقه آذربایجان واقع شده است. در ایران اتنیک های متنوع، با فرهنگ ها و زبان های متفاوتی زندگی میکنند. اعراب، ترک ها، کردها، لرها، بلوچ ها، فارس ها، گیلکی ها، لارها و مازنی ها از عمده ملل ساکن در ایران می باشند.

وی عضو حزب فدرال دموکرات آذربایجان بوده و در سال 2010 به آلمان مهاجرت نموده است و اکنون در حال دادرسی به پرونده پناهندگی وی می باشد.

وی به علت مشارکت در تظاهرات صلح آمیز ترک های آذربایجان به مناسبت روز جهانی زبان مادری که از سوی سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته می شود در بازداشت بسر برده بود. وی همچنین به اتهام ارتباط با بیگانگان و اتهام علیه نظام جمهوری اسلامی چندین بار در بازداشت بسر برده است.

1. Nurtigen und sein Umland Zeitung
2. Barbara Gosson

♦ از وی در مورد وضعیت کنونی ایران سوال کردم و نظر او را در مورد آینده ایران جویا شدم؟

حامد جهانگیری: برای ساختن یک جمهوری دموکراتیک و فدرال که بتواند دموکراسی، آزادی و برابری را برای خلق های ایران تامین و تضمین کند به سازمان ها و احزاب سیاسی و ملیت های تحت ستم احتیاج مبرم وجود دارد، و بدون وجود و حضور سازمان های سیاسی ملل ساکن ایران که بتواند مبارزه برای حقوق ملی و حقوق شهروندی برابر با خواست های عدالت طلبانه طبقات و اقشار محروم و زحمتکش مناطق ملی پیوند زند، امر تاسیس دموکراسی در کشور کثیرالملل امکان ناپذیر است!

ستم طبقاتی و ستم ملی در میان ملل و اقوام غیرفارس زبان ساکن ایران به طور جدی بهم گره خورده است و خود ستم ملی، شکاف طبقاتی را در مقایسه با مناطق فارس نشین بسیار عمیق تر و فقر و فلاکت و بدبختی را در میان ملل تحت ستم گسترده تر کرده است.

حل مسئله ی ملی، طبیعی است که ستم طبقاتی را از بین نمی برد ولی می تواند شکاف طبقاتی و ستم طبقاتی را در مناطق ملی کاهش دهد و نمی شود با شعار مبارزه با ستم طبقاتی مسأله ملی کشور کثیرالملل ایران را حل کرد و به عقب ماندگی وحشتناک مناطق ملی پایان داد. تجربه تاریخی نشان داده است که احزاب کمونیست همیشه حق تعیین سرنوشت ملت ها را تا حد جدایی را در برنامه های خود گنجانده اند ولی هرگز در کشورهای کمونیستی چنین حقی

به طور واقعی رعایت نشده است و احزاب کمونیست غیر حاکم در کشورهای چند ملیتی هم وقتی ملل تحت ستم خواسته اند سرنوشتشان را خودشان رقم زنند اغلب با این ملل همدلی و همراهی مثبت و مناسب نشان داده اند.

در جامعه ی ایران ستم های چندگانه ای داریم: ستم ملی، ستم جنسی، ستم طبقاتی و ... که حل یکی نمی تواند حلال تمام مشکلات و ستم های موجود باشد، من معتقدم که برای ساختن جامعه ای آزاد و آباد و دموکراتیک، مبارزه ای همزمان و توأمان برای پایان دادن به ستم ملی و برای پایان دادن به آپارتاید جنسی و سرکوب زنان و برای پایان دادن به بی عدالتی های گسترده و عمیق طبقاتی فرودست و زحمتکش ضرورت دارد.

ایران به یک بحران سیاسی و اجتماعی و اقتصادی عظیمی گرفتار است که خود جمهوری اسلامی ایران به فساد و بی کفایتی آلوده است و از همه مهمتر شکاف در بالاترین هرم قدرت سیاسی آنچنان عمیق و غیرقابل ترمیم گشته است که سابقه نداشته است.

جنبش اعتراضی مردم ایران رنگین کمانی ست از مطالبات ملی، جنسی، کارگری و آزادی خواهی. بدیهی است این حرکت اعتراضی در ادامه حرکت فرد و با پیوستن کارگران و زحمتکشان و ملیت های تحت ستم و زنان با خواسته های زنانه شان و مبارزه همگانی علیه دیکتاتوری مذهبی و برای دموکراسی و سکولاریسم بسیار خوشبین هستم.

**گزارشی از وضعیت زندگی
مهاجران افغانی در کوره
پرخانه ها و بازیافت زباله ها
"همراه با گزارش تصویری"**

**کانون دفاع از حقوق زنان و
کودکان تهران**

ثریا محمدی

15 اسفند 87

دقیقا در فاصله ای چند کیلومتری از نشان پیشرفت تجاری و اقتصادی تهران "برج پر جاذبه ی میلاد" در منطقه ای به نام محمود آباد و اشرف آباد(جنوب شرقی تهران بزرگ) مجرمانی درپست ترین شرایط روزگار می گذرانند، مجرمانی که بزرگترین جرم نابخشودنی آنان مهاجرت و از آن بدتر اسارت در چنگال فقر و سیه روزی و محرومیت است که در واقع جامعه ی بیرحم سرمایه داری فقط به فراموشی آنان بسنده نکرده بلکه در بدترین شرایط ممکن آنان را به بن بست کشانده و شاهد فقر و نابودی تدریجی آنان است، بی آن که خم به ابرو آورد.

اگر چه در این منطقه و دیگر مناطق جنوب تهران و دیگر کلان شهرها کم نیستند شمار مردمی که بواسطه ی ناتوانی از تامین زندگی روزمره به طور اتوماتیک به حاشیه ها رانده شده و در بدترین شرایط اقتصادی، محیطی و بهداشتی و غذایی به سر می برند؛ اما نکته ی قابل توجه آن است که این شکاف عظیم اجتماعی و اقتصادی و تبعیض و نابرابری موجود حتی در کمترین فاصله ها از نقاط مرفه و پر زرق و برق پایتخت، به رغم ادعای دولتمردان بسیار عمیق تر و فاجعه بارتر خودنمایی می کند و پرداختن به آن نه از جهت جدید بودن و یا عجیب بودن قضیه است چون شواهدی از این دست در جامعه ی نابرابر و دو قطبی ایران دیرپست همچون یک بیماری اجتماعی، جامعه را درگیر ساخته است، بلکه هدف از بیان این پدیده ها و دیگر مسایل انسانی بذل توجه جامعه جهت بکارگیری راهکارهای اساسی در تقلیل و پایان دادن به مسایل لاینحل انسانی و اجتماعی است.

در قسمتهای جنوبی تهران در منطقه ی پاکدشت، محمود آباد، اشرف آباد و شمس آباد و.... تمرکز کوره های آجرپزی و بازیافت زباله و ایجاد کار فصلی برای خیل عظیم کارگران بیکار دیگر شهرستانها و روستاهای مناطق محروم و دورافتاده ی کشور از جمله کردستان، خراسان، آذربایجان و.... و حتی مهاجران افغان، باعث جذب و روی آوردن کارگران فصلی به همراه خانواده هایشان به این نقاط شده است.

این مناطق جز مناطق حومه ی شهر به حساب آمده و هنوز فاقد سیستم فاضلاب و آب آشامیدنی سالم و دیگر امکانات بهداشتی لازم می باشند و بدتر از آن این که در هر یک از واحد های مسکونی کارگران که بخشی از آنها را نوجوانان بین 13 تا 17 ساله ای تشکیل می دهند که مطلقاً از خواندن و نوشتن و حتی اندکی سواد بهره مند نیستند و همچنین از داشتن حمام و حداقل زندگی محرومند و برای حمام رفتن باید مسافتی طولانی تا شهر را طی کنند و غذایشان را که لقه نانی بیش نیست در میان بوی مشمئز کننده و تلی از زباله های تفکیک شده و نشده می خورند و در آلودگی های که در همان محیط جمع آوری زباله ها ساخته شده و بجای درب، پتو یا پلاستیکی از آن آویزان است تا تن این کارگران کوچک خسته از کار روزانه را از سرما و گرمای بیابان محفوظ دارد و اینان به شکل دسته جمعی و مجرد زندگی می کنند و این کارگران مهاجر به دلیل بیرون راندن خانواده ها به کشورهای خود، معمولاً خانواده ای ندارند. و این کودکان که در ایران بدنیا آمده اند از داشتن هرگونه کارت و هویت شناسایی محرومند.

اما در بالای تپه ای کمی بالاتر محله ای دیگری وجود دارد که معمولاً کارگران با خانواده هایشان در اینجا زندگی می کنند که اتاق هایشان در بهترین شکل آن دو اتاق تو در تو بیشتر نیست که گاه بیش از 10 نفر اعضای یک خانواده زندگی می کنند. در این آلودگیهای قدیمی و غیراستاندارد که در بیشتر موارد سقف و دیوارها ترک برداشته و در حال فرو ریختن است خانواده های کارگران در هوای دم کرده و نمور اتاق در معرض خطر انواع بیماری های تنفسی و پوستی قرار دارند، سرویس بهداشتی و حمام مشترک برای ساکنان هر کوچه به صورت عمومی وجود دارد و تنها منبع آب ساکنان هر کوره یک شیر آب در محوطه ی باز اطراف آلودگی ها می باشد که زنان کارگران که خود نیز کارگران کمکی به حساب می آیند به شست و شوی لباسها و ظروف می پردازند که به دلیل تراکم گاه شاید مجبور به برنامه ریزی قبلی و تعیین نوبت استفاده از شیر آب می شوند و علاوه بر آن جمع شدن آب در چاله های مسیر باعث ایجاد گل و لای و مخصوصاً سخت تر شدن تردد ساکنان و جمع شدن حشرات موزی می شود. از همه ی اینها گذشته نزدیکی فاضلاب های صنعتی و شهری به این محل باعث آلوده بودن هوا و حتی گاهی اختلالات تنفسی می شود. محل بازی کودکان فضای باز اطراف کوره و جوی های آلوده به فاضلاب های اطراف بوده که در شرایط معمول حداقل عارضه ی آن برای کودکان در تماس بودن با مواد خطر زای فاضلابهاست و در فصول گرم سال آلودگیهای جدی تر سلامت آنان را به خطر می اندازد طوری که بیشتر کودکان ساکن این مناطق مبتلا به انواع عفونت های تنفسی و بیماریهای ریوی و آسم می باشند. ساکنان این مناطق به دلیل پرت بودن منطقه و خارج بودن از مسیر اتوبوس های شهری و دیگر وسایل نقلیه عمومی، امکان دسترسی به امکانات شهری از جمله بهداشت و درمان و آموزش و پرورش را نداشته و کودکان از مدرسه و دیگر خدمات آموزشی محروم می باشند و به دلیل بیکاری کارگران در فصل سرما و نبودن امکان تردد روزانه برای کارگران مرد جهت اشتغال در دیگر بخشهای خدماتی شهر تهران و دیگر شهرستانهای اطراف آنان از اوایل پاییز تا آغاز بهار دیگر بیکار بوده و در فصول کاری مجبورند تا از همان درآمد اندکشان به فکریس انداز برای ماههای بیکاری بوده و در بیشتر موارد همچون بسیاری از دیگر شهروندان درجیره ی غذایی روزانه ی آنان نه تنها از انواع ویتامین های لازم خبری نبوده بلکه حتی تامین حداقل مواد غذایی برای خانواده امکان پذیر نمی گردد.

در بازدید به عمل آمده از اشرف آباد و ساکنان چند کوره و دیدار و گفتگو با زنان و دختران کارگر بیشتر آنان از بیماری های زنان و

ادامه در صفحه 13



لیدای عزیز خیر مسرت بخش قبولی تقاضای
پناهندگیت را شنیدم و بسی خوشحال شدم.
شجاعت تو در بازگو کردن حقایق تلخ در مقابل دوربین رهایی زن
که از طریق کانال یک در سراسر جهان پخش شد.
تحسین عام و خاص را برانگیخت و
مقامات بلژیک را نیز تحت تاثیر قرارداد.
ضمن تبریک و شادباش
روزهای شاد و پربرتری را برایت آرزو میکنم.
مینو همتی
دوم ژوئیه ۲۰۱۲

لیدا فاضلی نیا یکی از پناهندگان که بعد از چندین سال در بیدری در "یون-ان" ترکیه و نا امیدی از پاسخ مثبت، مجبور به مهاجرت دوباره و ترک خاک ترکیه شده و در بلژیک پناهنده شد.

اکنون با پیگیری های مستمر مینو همتی و مصاحبه های مکرر و علنی شدن مشکلات و زجرهایی که لیدا و دخترش در طی این مدت متحمل شدند امروز خبر خوش قبولی لیدا باعث شادی همگان شد، این قبولی را قبل از هرچیز به لیدای عزیز تبریک می گویم و جا دارد از مینو همتی بخاطر پیگیرهای شبانه روزی و دلسوزانه اش با توجه به مشغله کاری فراوانی که در تلویزیون رهایی زن دارد، از طرف خودم و تمام پناهندگانی که مدیون تلاش های انسان دوستانه ی مینوی عزیز است، تشکر کنم.

شراره رضایی- مدیر مسئول وب سایت رهایی زن

03.07.2012

تشکر و قدردانی از خانم مینو همتی "کانال رهایی زن" برای تلاش های بی وقفه اش برای وضعیت پناهندگان

من مظفر پروزی پناهنده ایرانی که در کشور ترکیه به سر می برم بدینوسیله مراتب تشکر و قدردانی خود را از شما و همکاران عزیزتان به خاطر تلاش انسان دوستانه و حمایت همه جانبه از حقوق پناهندگان و به ویژه تلاشهایی که برای جلوگیری از دپورت من به ایران انجام دادید و هم چنین پیگیر پرونده من در یو-ان شدند اعلام می دارم و این تلاشها بالاخره به موفقیت انجامید و من بعد از 9 سال سختی، دپورت و شرایط دشوار که همراه با بیماری بود توانستم به حق قانونی خود برسم و به عنوان یک پناهنده رسمی پذیرفته شوم و امروز این را به وظیفه خود می دانم که از شما تشکر و قدردانی نمایم و برای تمامی دوستان موفقیت آرزو نمایم. امیدوار هستم با کمک شما و تمام سازمانهای مدافع حقوق بشر پناهجویان به حق خود برسند و از مشکلات پناهندگی نجات پیدا کنند و بتوانند در رفاه و امنیت اجتماعی که لازمه زندگی هر انسان است با احترام به حقوق یکدیگر زندگی نمایند.

با امید پیروزی و موفقیتتان



مصاحبه مینو همتی از کانال رهایی زن با مظفر پروزی

With Thanks and Gratitude to Mino Hemati of Rahai Zan TV: Greetings,

I, Mozafar Parvari, an Iranian refugee residing in Turkey, would like to share my deepest gratitude and appreciation to you and your dear staff, for the humanitarian effort and unconditional support you have shown on behalf of refugee rights. I especially thank you for the hard work put forth to prevent my deportation back to Iran; your sincere efforts have enabled my case to be considered by the United Nations.

May it be known that these genuine efforts on your part have proven fruitful: After 9 years of enduring the hardships of deportation, accompanied by serious illness, I was able to attain legal status and be officially recognized as a refugee. Today I consider it my responsibility to thank you and offer my deepest gratitude for this achievement. May all those involved in this case find success in all future endeavors. I hope that your help, combined with assistance from other humanitarian organizations, will enable more refugees to gain legal status and find relief from the issues they are currently facing worldwide. May they actualize their basic rights to sustenance, and a true sense of safety within their community, and may they do so with respect for the rights of all.

Best wishes for your success and accomplishment (and may you please share these words publically).

Mozafar Parvari

صفحه ی خبری:

افشای طرح سپاه و دستگاه امنیتی ج.ا برای شکار پناهجویان در ترکیه

نوشته شده توسط یک پناهجوی ایرانی در ترکیه - پنجشنبه 8 تیر ماه سال 1391

به نقل از خبرگزاری «فعالان در تبعید» بنا بر اخبار رسیده از سلماس ، سپاه و حفاظت اطلاعات ، در عملیاتی مشترک در صد دستگیری و انتقال پناهجویان و فعالان تبعیدی از ترکیه می‌باشند.

گزارشها حاکی از آن است مرتضی نظری فرماندار فعلی سلماس و سرپرست بازجویان اداره کلّ اطلاعات آذربایجان غربی که سالها در مرکز عملیات برون مرزی سپاه قدس در ارومیه و طیفه بازجویی را به عهده داشته ، این روزها بازداشتگاه محرمانه مشترک سپاه قدس و اطلاعات، را برای این منظور در اختیار گرفته است

گفته میشود این بازداشتگاه که توسط عبدالرضا شهلائی دست راست قاسم سلیمان فرمانده نیروی قدس راه اندازی شده است ، برای انتقال و دستگیری هموطنان تبعیدی از ترکیه است،

گفتنی است شهر وان ، نوشهیر، کاپسری از عمده مرکز این ایرانیان در تبعید هست که باید دولت ترکیه مسئولیت حفاظت جان هموطنان ما را به عهده بگیرد .



اجازه ندهیم پناهجوی دیگری قربانی شود! - زونیه 9, 2012

سایت خبری راه کارگر - یکی از پناهجویان به نام آزاد خدامردی، بیست و پنج ساله، پس از شش روز اعتصاب غذای تر در یکی از کمپ ها، صبح امروز به قصد خودکشی تعداد زیادی قرص مصرف کرده است. هم اتاقی هایش او را به بیمارستان برده اند. اما همچنان بیهوش می باشد. اگر محمد رهسپار دیگری نمی خواهیم، باید هر گونه که امکان دارد به وی کمک کنیم. این کمک می تواند، از اطلاع رسانی تا هر گونه کمک ممکن دیگر باشد.



تظاهرات زنان افغان علیه تروریستهای جنایتکار اسلامی

چهارشنبه، 21 تیر ماه 1391



رادیو فردا: دهها زن در کابل در اعتراض به تیرباران زنی به دست طالبان روز چهارشنبه در مقابل دفتر سازمان ملل راهپیمایی کردند. عده ای از نمایندگان مجلس افغانستان هم به این زنان پیوستند.

انتشار فیلمی از صحنه اعدام این زن با شلیک گلوله به سرش در ملا عام، اعتراض های جهانی را برانگیخته است.

به گفته مقام های افغانستان، طالبان این زن 22 ساله اهل روستایی در ولایت پروان را به اتهام زنا تیرباران کردند.

حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان قتل این زن را محکوم کرده است.

کیست های عفونی، دیسک کمر، دردهای عضلانی و.... شکایت داشتند و بالا بودن نرخ خدمات بهداشتی و نداشتن بیمه های تامین اجتماعی آنان را از بهره مندی از خدمات عمومی محروم ساخته که البته در این محرومیت هم کارگران ایرانی و هم غیر ایرانی در وضعیتی مشابه به سر می برند و این نشان می دهد که محرومیت این طیف فقط از غیرایرانی بودن آنان ناشی نمی شود و این موید تقسیمات غیر انسانی شهروندان به طبقات برخوردار و محروم شده که حتی ساکنان پایتخت را بسیار شدیدتر مورد تهاجم قرار داده است اما در حالت معمول مهاجران افغانی به دلیل نداشتن هویت ایرانی و شناسنامه و کارت ملی ایرانی به عنوان جمعیت مازاد از هر گونه خدمات اجتماعی از جمله تحصیل در مدارس عادی محروم می باشند که بر دیگر مشکلات این بخش از کارگران افزوده می گردد. اما نکته ی قابل توجه این که متأسفانه در میان همین قشر محروم باز دسته بندی افراد به محروم و محرومتر وجود دارد طوری که خود ساکنان به این مسئله اشاره کرده و از آن شکایت داشتند و این نشان از آن است که حتی قشر ضعیف جامعه به دلیل ناآگاهی از حقوق خود وتحلیل ریشه های محرومیتشان خود به نوعی شکاف موجود را دامن می زنند.

گزارشی از وضعیت زندگی
مهاجران افغانی در کوره پرخانه
ها و بازیافت زباله ها

ادامه ی صفحه 10

در میان همه ی نارساییها و مشکلات ساکنان این منطقه بهترین نقطه ی امیدوار کننده نفوذ ان جی او های مدنی در این مناطق جهت ارتقای وضعیت این ساکنان هم از لحاظ فرهنگی ، بهداشتی و.... حتی در سطحی نازل می باشد. از آن جا که ساکنان این منطقه به دلایل ذکر شده امکان تحصیل در مراکز رسمی را ندارند ان جی او "گل های زندگی" به پی گیری های مستمر خود اقدام به دایر کردن کلاسهای درسی دوره ی ابتدایی و نیز زبان، کامپیوتر، حسابداری و بهداشت برای دختران جوان نموده است که بنا به اظهارات دختران نقطه ی روشن امیدواری ساکنان به وجود افرادی بود که هنوز در کشاکش رقابت سرمایه دغدغه ی اجتماع را دارند و برای ساختنش در تلاشند و از آن مهمتر به زن جوان و پر همتی برخوردیم که با جثه ی ریز اما همت و اراده ی بلند از تمام آنچه داشت برای کمک به کودکان و نوجوانان مایه می گذاشت. این زن بزرگ که برآستی گنجینه ی انسانیت و هموع دوستی و مبارزه برای زندگی بهتر است کبری غلامی نام دارد که مادر 4 بچه واز مهاجران افغانی است و به همین دلیل فاقد شناسنامه بوده و توانسته است تحصیلات ابتدایی رافقط تا سطح 5 ابتدایی داشته باشد، اما با همت و تلاش پی گیر از همه ی توانش برای کمک به دیگر هم سرنوشتانش به همراه همسرش دلسوزانه تلاش می کند، این انسان آزاده با قرار دادن خانه ی محقرش در اختیار ان جی او به عنوان کلاس درس و نیز همکاری با اعضای انجمن به عنوان معلم ابتدایی به کودکان درس می دهد و با چنان تلاش و شوری کارش را انجام میدهد که شاید این درجه از اشتیاق را نتوان به آسانی در جایی یافت. او که در تمام ساعات دیدار با لیخند گرم و چهره ی مهربانش پذیرای ما بود، بسیار آرام و مسلط دردها را می شناخت و با تمام شعور و انرژی برای کمک به دیگر هموعانش در تلاش بود طوری که با دیدن آن همه احساس مسئولیت نمی شد شاد و امیدوار نشد. به راستی دنیا به وجود چنین انسانهایی بزرگ و ارزشمند نیاز دارد تا بتواند جای امنی برای زندگی و آرامش همگان باشد و همچنین جا دارد تا به تلاش دوستان در ان جی او "گل های زندگی" آفرین گفت.

تلویزیون رهایی زن

تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته روزهای جمعه 17:30 به وقت تهران و باز پخش ، شنبه ها 17:30 به وقت تهران می توانید بیننده تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Frq 11179

Syb 27500

Pol H

FIC 3/4

مینو همتی از نوامبر سال 2004 به تهیه و تولید این برنامه پرداخته و مسایل و معضلات زنان در ایران و خارج از ایران را با میهمانان برنامه به بحث میگذارد.



گزارش تصویری "کانون دفاع از حقوق زنان و کودکان تهران" از وضعیت زندگی مهاجران افغانی "5 اسفند 1387"

